سرکردگان گروهک تندر از چه زمانی تحت رصد اطلاعاتی بودند؟

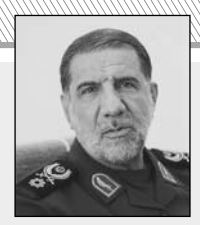

مشاور فرمانده کل سپاه گفت: مدت‌ها بود که سرکردگان گروهک تروریستی تندر تحت رصد نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران قرار داشتند. سردار اسماعیل کوثری، مشاور فرمانده کل سپاه با اشاره به دستگیری جمشید شارمهد سرکرده گروهک تروریستی تندر توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) در گفتگو با میزان اظهار کرد: قبل از انجام عملیات تروریستی بعدی گروهک تروریستی تندر که تخمین خسارت سنگینی از آن زده می‌شد، اعضای اصلی این گروهک توسط سربازان گمنام امام زمان(عج) وزارت اطلاعات دستگیر شدند و بدین ترتیب از توطئه‌ای بزرگ جلوگیری به عمل آمد. وی با بیان اینکه گروهک تروریستی تندر کاملا با تفکر غربی نشات گرفته از آمریکا به فعالیت می‌پرداخت، گفت: مدت‌ها بود که سرکردگان این گروهک تروریستی تحت رصد نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران قرار داشتند. مشاور فرمانده کل سپاه با بیان اینکه گروهک‌های تروریستی از اقدامات خود هم در صدد القای ناامنی در ایران و هم در تلاش برای بزرگ‌نمایی خودشان هستند، عنوان کرد: هدایت کلی گروهک تروریستی تندر و مرکز برنامه ریزی آن‌ها در آمریکا بود و سرکردگان این گروهک دائما در حال رفت و آمد به آمریکا بودند. سردار کوثری با بیان اینکه آمریکا همه نوع کار شیطانی انجام می‌دهد و از سوی دیگر فریاد حقوق بشر سر می‌دهد، گفت: صابون اقدامات تروریستی آمریکا به تن مردم بسیاری از کشورهای جهان خورده است.

کاخ سفید: تاخیر در انتخابات ریاست جمهوری نداریم

رئیس دفتر کاخ سفید اعلام کرد، انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سوم نوامبر (تاریخ مشخص آن) برگزار می‌شود و ادعا کرد که ترامپ پیروز خواهد شد. به گزارش ایسنا، مارک میدوز، رئیس دفتر کاخ سفید در گفتگو با برنامه رو در رو با ملت شبکه خبری سی.بی.اس گفت: ما انتخابات را سوم نوامبر برگزار می‌کنیم و دونالد ترامپ، رئیس جمهوری نیز در آن پیروز می‌شود.

مقامات مختلف ایالات متحده نسبت به توافق تهران و پکن هشدارهای صریحی را داده اند

چرا آمریکا از حضور چین در ایران نگران است؟

آفتاب یزد-گروه سیاسی: قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین اگر و اما بسیار داردا با این حال به همان اندازه هم سروصدا ایجاد کرده است. قراردادی که برخی نسبت به مفاد آن تردیدهایی دارند و بارها نیز از دولت خواسته شده جزئیات بیشتری را مطرح کند اما فعلا خبر چندانی جز کلیات از آن در دسترس نیست. با این حال اگر فرض را بر این بگیریم که جدای از واقعیت‌های رفتاری چین در سال‌های اخیر با ایران، قرار است این قرارداد نهایی شود و مفادی متعادل در آن وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت چنین قراردادی قابلیت ایجاد تغییراتی مهم در اوضاع خاورمیانه را خواهد داشت. به همین دلیل است که واکنش‌ها نسبت به این ماجرا افزایش یافته است. در جدیدترین مورد مایک پومپئو به این قرارداد واکنش نشان داده است. پومپئو در مصاحبه با شبکه خبری فاکس نیوز درباره روابط چین با ایران گزارش‌ها درباره نزدیکی پکن و تهران برای امضای یک توافق اقتصادی ۴۰۰ میلیارد دلاری و توافق امنیتی را محکوم کرد. وی اضافه کرد، تحریمهای آمریکا علیه ایران بر شرکتهای چینی نیز دلالت میکند و مدعی شد که دستیابی ایران به پول و سلاح خطراتی برای منطقه در پی خواهد داشت. پومپئو در ادامه گفت: من فکر میکنم کشورها در خاورمیانه باید این را ببینند که ورود چین به ایران باعث بی‌ثباتی منطقه خواهد شد. استفان بیگن مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا هم چهارشنبه گذشته گفته بود دولت این کشور توافق همکاری ایران و چین را به دقت رصد می‌کند.

موضوع ارتباط این توافق بر مسائل خاورمیانه پیش از این نیز در محافل سیاسی غربی مورد توجه قرار گرفته بود. «هاوارد شاتز» اقتصاددان شرکت آمریکایی RAND درمصاحبه با مدیا لاین گفت: «چین تمایل دارد روابط خوب خود با همه طرف‌ها در خاورمیانه را حفظ کند، در سرمایه‌گذاری، ایجاد یا تقویت زیرساخت‌های این کشورها سهیم باشد و بیش از پیش به خاورمیانه به‌عنوان محلی برای استقرار زیرساخت‌های ارتباطی خود و ایجاد یک جاده ابریشم دیجیتال، می‌نگرد». به گفته شاتز، چین به‌خاطر گسترش همکاری‌های تکنولوژیک بارژیم صهیونیستی قصد ندارد این رژیم را با خود غریبه کند. با این حال عده‌ای از مسئولان رژیم صهیونیستی از قرارداد با چین نگران هستند. درهمین حال یک روزنامه اسرائیلی نیز به این موضوع پرداخته که واکنش اسرائیل و عربستان به چنین قراردادی چه خواهد بود و اساسا چین چگونه در میان تضادهای خاورمیانه بازیگری خواهد کرد. «جاشوا رابین مارکس» ستون‌نویس روزنامه «جروزالم پست» می‌نویسد: «تحلیل‌گران می‌گویند، چین رویکردی محتاطانه در قبال توافق‌های تجاری در پیش گرفته است تا بتواند روابط خوب خود با همه طرفین را حفظ کند و این سیاست خارجی می‌تواند در خصوص هرگونه توافق با ایران نیز صدق کند.» مارکس به نقل از «رابرت موگیلنیکی» از محققین مؤسسه‌ای در واشنگتن مدعی شد: «کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس شرکای تجاری مطمئن‌تری نسبت به ایران هستند و چین نیز قرار نیست اثرگذاری خود بر منطقه را فقط به‌خاطر انداختن قایق نجات برای ایران به خطر اندازد.» او به نقل از موگیلنیکی نوشت: «فارغ از این‌که رئیس‌جمهور ترامپ در ماه نوامبر پیروز شود یا خیر، این مسئله پابرجا خواهد بود. اگر رئیس‌جمهور ترامپ [در انتخابات] ببازد، خطرات ارتباط تجاری عمیق‌تر [چین] با ایران نیز ممکن است کاهش یابند».

اهداف بلندپروازانه قرارداد ایران و چین "با شک و تردید" نگاه کرد چرا که عملی کردن آن چندان هم آسان نیست. آنها نوشته اند:«سرتیتر اخبار در سراسر جهان از این قرار داد به عنوان یک "توافق و اتحاد بزرگ" یاد کردند و آن را "چالشی جدی" برای آمریکا قلمداد کردند. اما نباید خیلی شتاب‌زده نتیجه‌گیری کرد... ابعاد این قرارداد و امکان عملیاتی و پیاده‌کردن آن شایسته تردید است. آیا چین توان و ظرفیت سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری در صنایع زیربنایی ایران را دارد؟ این کشور در ۱۵ سال گذشته توانسته تنها حدود ۲۷ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند و تازه آنها در زمان قبل بحران اقتصادی ناشی از کرونا بوده است.» این دو مقام آمریکایی در مقاله خود افزوده اند:«دلایل زیادی وجود دارد که احتمال عملی شدن این قرارداد را بعید می‌کند. بسیاری از شرکت‌های خصوصی که در حقیقت دولت چین پشت و مالک آنهاست، به ویژه در حوزه انرژی، قادر به تحمل تحریم‌های آمریکا که پس از ورود آنها به بازار ایران وضع خواهد شد، نیستند. این عوامل سوددهی و بازگشت سرمایه‌گذاری در ایران را بسیار بعید و دور از یقین می‌کند.»

بنابراین واکنش‌های آمریکا به اخبار مربوط به این توافق را می‌توان در دو بخش تقسیم‌بندی کرد. نخست آنها چنین توافقی را چندان عملیاتی نمی‌دانند. در این زمینه آمریکا واقعیت‌های امروز را درنظر می‌گیرد. ازجمله اینکه به تازگی رئیس اتاق اقتصادی ایران و چین اعلام کرد که بانک‌های چینی ارتباط خود با ایران را قطع کرده اند. طبیعی است کشوری که قرار است قراردادی راهبردی با ایران امضا کند و در میانه بحث درباره آن هستیم دست به چنین اقدامی نمی‌زند. یا اینکه مطابق آمار ماه ژوئن گمرک چین، این کشور واردات نفت از ایران را به صفر رسانده است! با این حال جدای از عملیاتی بودن توافق، آمریکایی‌ها نگاه دومی هم دارند. نگاهی که توام با نگرانی این است که شاید چین با دریافت امتیازات ویژه‌ای حاضر به توافق با ایران شود. در این صورت طبیعتا بخش‌هایی از فشارهای ایالات متحده بر ایران خنثی می‌شود. در چنین شرایطی عربستان و اسرائیل به عنوان رقبای ایران در خاورمیانه نیز دچار نگرانی‌هایی خواهند شد چرا که در واقع فضای خاورمیانه به گونه‌ای است که تقویت جایگاه یک بازیگر در ذهن رهبران بازیگر مقابل نشانه‌ای از افزایش تهدیدها به شمار خواهد رفت. بنابراین آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن نگران هستند مبادا چنین توافقی عملیاتی شود که منجر به اثرات منطقه‌ای خواهد بود. ونی لیپ‌شوتز استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه کالیفرنیا در مورد توافق ایران و چین می‌گوید:«این توافق سرمایه‌های زیادی را برای ایران به همراه امکان فروش نفت فراهم می‌کند و یک رابطه استراتژیک برای چین محسوب می‌شود. در حقوق بین‌الملل چیزی وجود ندارد که مانع چنین توافقی شود.» او می‌افزاید:«این توافقنامه توانایی ایالات متحده در اجرای تحریم‌ها را کاهش می‌دهد و در صورت موفقیت‌آمیز بودن این توافق، ممکن است سایر کشورها (به عنوان مثال اروپایی‌ها) را به نقض مجازات‌ها ترغیب کند. با توجه به وخامت اوضاعِ روابط ایالات متحده و چین، این توافق‌نامه نفوذ چین در منطقه را گسترش می‌دهد. من این همکاری‌ها را به خودی خود «خطرناک» نمی‌دانم، بلکه به نظرم این همکاری‌ها یک چالش برای هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس است.»

از سوی دیگر موسسه آمریکایی شورای آتلانتیک درباره توافق ایران و چین نوشته: «ایران در همکاری با چین تنها بازیگر خاورمیانه نیست. عربستان و امارات هم دارای توافق مشارکت راهبردی با چین هستند. چون چین علیرغم سودمندی مشارکت با ایران می‌خواهد رویکرد متعادل خود در خلیج فارس را ادامه دهد. اگرچه شکی نیست که چین و ایران در قبال یکدیگر و در پیشبرد شراکت جامع راهبردی خود جدی هستند، اما چین در این منطقه رویکردی متعادل بر اساس منافع، در دستور کار قرار خواهد داد. چین در خاورمیانه توپ‌های زیادی برای بازی دارد. چین در سراسر این منطقه دارای منافع زیادی بوده و با بسیاری از کشورهای منطقه همچون ایران شراکت کامل دارد که ناشی از دهه‌ها تعامل دیپلماتیک و حجم عظیم تجارت و سرمایه‌گذاری با این کشورهاست؛ بنابراین چین رویکرد متعادل خود را کنار نمی‌گذارد.»

■ نگرانی از دست رفتن حوزه نفوذ

درباره نگرانی‌هایی که آمریکا نسبت به این توافق دارد و چرایی تلاش ایران برای دستیابی به توافق بلند مدت گفتگو کردیم با یک دیپلمات بازنشسته و تحلیلگر مسائل بین‌الملل. سید جلال ساداتیان به «آفتاب یزد» گفت: «طبیعی است وقتی ایالات متحده فشارهای بی‌دلیل و غیرقانونی را بر ایران وارد می‌کند، به دنبال راه‌هایی برای حفاظت از خود خواهد بود. درحالی که تهران براساس معیارهای بین‌المللی قبول کرده‌بود وارد مذاکره شود و تعهدات خود را نیز انجام دهد اما آمریکا جدای از معیارهای بین‌المللی توافقی چندجانبه را بهم زد، درحالی که توافق هسته‌ای از سوی قطعنامه شورای امنیت هم مورد تایید قرار گرفته است، اما آمریکا بدون ضابطه و بدون دلیل موجه از آن خارج شد و فشارهای بسیاری را وارد کرده تا حداکثر تحریم‌ها بر ایران اعمال شود، بنابراین طبیعی است ایران براساس معیارهای بین المللی دست بسته منتظر تصمیمات آمریکا نمی‌ماند بلکه سعی می‌کند ارتباطات بین‌المللی خود را با سایرین تقویت کند.» او افزود:«چین یکی از کشورهایی است که ایران به دنبال تقویت رابطه با آن است، کشورهای دیگری نیز در این مسیر وجود دارند، کما اینکه صحبت درباره قرارداد بلند مدت با روسیه نیز مطرح است، همچنین افزایش مناسبات با کشورهای همسایه هم در دستور کار قرار گرفته است.» این تحلیلگر بین‌الملل گفت:«آنچه معیار و ملاک است منشور سازمان ملل است که به منزله قانون اساسی جهان تلقی می‌شود و به علاوه بدنه و سازمان‌های وابسته به آن هستند که ضوابط بین‌المللی را تعیین می‌کنند و براساس این معیارها ایران به دنبال بهبود موقعیت خود است درحالی که آمریکا به قلدری می‌خواهد معیارهای خود را تحمیل کند.»

ساداتیان اظهار داشت:«نگرانی‌های ایالات متحده از حضور چین در ایران به این دلیل است که واشنگتن گمان می‌کند خاورمیانه حوزه اقتدار و نفوذ کاخ سفید است، اگر ایران با چین که قدرت دوم اقتصادی جهان است و توان تکنولوژی بالایی نیز پیدا کرده مراودات راهبردی را برقرار کند، در این صورت تهران می‌تواند ضعف‌هایی که آمریکا بر ایران تحمیل کرده را جبران کند.» او در پایان گفت:«مشخص است وقتی آنها تلاش‌های بسیاری داشته‌اند تا ایران را در تنگنای تحریمی قرار دهند در این صورت توافق بلندمدت با چین می‌تواند ایران را از تنگناهای تحریمی خارج کند و همه رشته‌های ایالات متحده پنبه شود، بنابراین آمریکا نسبت به آن هشدار می‌دهد و تلاش‌های خود را معطوف به عدم اجرایی شدن این توافق خواهد کرد تا نفوذ خود را در منطقه حفظ کند.»

گلایه شهردار پایتخت از دولت، خبری از حمایت‌های دولتی در دوران کرونا نیست!

چشم پوشی دولت از تهران!؟

آفتاب یزد-گروه سیاسی: در بسیاری از کشورها پایتخت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدا هستند. اما در ایران تهران را باید پایتخت همه حوزه‌ها دانست، قلب تپنده اقتصاد و مرکز تصمیم‌گیری‌های ریز و درشت سیاسی و اجتماعی! طبیعی است که در چنین شرایطی مهاجرت به این شهر افزایش می‌یابد نتیجه اینکه جمعیتی بالغ بر ده میلیون در تهران ساکن هستند. گفته می‌شود یک تا دومیلیون نفر نیز روزانه به تهران می‌آیند و بعد به استان‌های همجوار نظیر البرز و سمنان باز می‌گردند. این یعنی مدیریت شهری در تهران کار آسانی نیست و البته نیازمند توجه و بودجه‌های ویژه‌ای نیز هست. با این حال به نظر می‌رسد خبری از این توجه‌های ویژه نیست و دولت چندان میلی در این زمینه ندارد. در همین زمینه دیروز شهردار تهران با بیان اینکه مجموعه‌ای از درآمدهای شهرداری تهران از حیز انتفاع خارج شده، گفت: اکنون ناوگان مترو و اتوبوسرانی با ۵۰درصد ظرفیت کار می‌کند. همچنین با اختلال در شرایط ترافیکی دچار مشکل می‌شود. یکی از کارهایی که دولت‌ها در زمینه مدیریت شهری در حوزه کرونا انجام دادند حمایت ویژه از شهرداران بوده است که متاسفانه در این شرایط ما از آن بی‌بهره هستیم. در واقع اگر شفاف‌تر به ماجرا نگاه کنیم در این شرایط این روزها نه تنها دولت نگاه ویژه‌ای به شهرداری تهران ندارد بلکه شاهد نگاه منفی پاستور به بهشت نیز هستیم! از زمانی که شهرداری تهران براساس قانون یک طبقه از ملک متعلق به ریاست جمهوری را در جماران تخریب کرد به نظر می‌رسد دولت نگاهی منفی به شهرداری و شورای شهر پیدا کرده است. در همین حال دیروز حناچی با اشاره به اینکه جماران یک محله نیست، گفت: جماران یعنی ایران، اتفاقی که در جماران افتاده بود را می‌توان از زبان دیگران درک کرد. وی در خصوص مطالبه حضور در هیئت دولت گفت: ادبیات طلبکارانه را نمی‌پسندم و با مذاکره و استدلال می‌شود خیلی از اهداف را به نتیجه رساند. شهردار تهران درباره انتقاد اعضای شورای شهر مبنی بر اینکه حضور شهردار در هیئت دولت تاثیر آنچنانی نداشته است و در ماجرای ملک جماران از حضور شما در جلسات منع شد، اظهار داشت: مطابق قانون شهردار تهران عضو هیئت وزیران نیست و این حضور سنتی بوده است که از زمان مرحوم رفسنجانی و آقای کرباسچی آغاز شد. او ادامه داد: بودن شهردار تهران در دولت، هم برای دولت و هم برای شهرداری تهران مفید بوده است. اوراق مشارکت نتیجه پیگیری شهردار تهران در دولت در حاشیه جلسات بود و با توجه به اینکه من رئیس مجمع کلانشهرهای کشور هستم و حضورم به نمایندگی ۵۰ میلیون جمعیت کشور را پوشش می‌دهد در نتیجه حضورم در جلسات تاثیرگذار بوده و هست. حناچی گفت: بسیاری از مصوبات دولت در ارتباطات با دستگاه‌های اجرایی می‌تواند تسهیل شود و دولت نیز به این ارتباط نیاز دارد. با این حال همانطور که پیش از این نیز در «آفتاب یزد» نوشتیم شواهد حاکی از این است که دولت فعلا تمایل چندانی به تقویت روابط با شهرداری ندارد! دیروز همچنین شهردار تهران در پاسخ به سوالی درخصوص میزان بدهی‌های دولت به شهرداری گفت: این موضوع از چند جهت پیگیری می‌شود. مواردی که دولت به موجب آن به شهرداری بدهکار می‌شود یک مورد در بخش کمیسیون ماده ۱۰۰ دستگاه‌های دولتی است، موضوع بعدی در بخش حمل و نقل از جمله بلیت‌ها و امور زیرساختی سرمایه‌گذاری بوده و در نهایت مواردی است که از سوی وزارت دارایی تایید می‌شود که در این زمینه طبق قانون بودجه امکان تهاتر وجود دارد اما دولت تمایلی به این موضوع ندارد چرا که بدهی بانک مرکزی را بیشتر نشان می‌دهد. با این حال در این زمینه پنج‌هزار میلیارد تهاتر انجام شده است. شهردار تهران ادامه داد: در بخش بلیت‌ها هم معمولا روزهای آخر سال سازمان برنامه و بودجه بعد از خالی شدن خزانه کمک‌هایی به شهرداری می‌کند. همچنین امتیازاتی هم از محل صرفه‌جویی در مصرف سوخت به شهرداری داده می‌شود که از سال گذشته شروع شده و روند صعودی داشته و به خوبی پیش‌می‌رود. اگر بدهی‌هایی که از سال گذشته باقی مانده است محاسبه شود، رقم قابل توجهی خواهد شد. او درخصوص بدهی‌های دولت دربخش کمیسیون ماده ۱۰۰ گفت: درباره بدهی‌های دولت در بخش کمیسیون ماده ۱۰۰ هم هر زمان که نقل و انتقالی صورت گیرد و یا در بودجه مشخص شده باشد قابل تعقیب خواهد بود. شهردار تهران در پاسخ به سوالی مبنی بر سرانجام پرونده‌های تخلفات در شهرداری گفت: در خصوص پرونده‌های فساد و تخلفات پیگیر احقاق حقوق شهر و شهروندان هستیم و بی‌سر و صدا این موضوع را تعقیب می‌کنیم و اصرار نداریم که موضوع را جار بزنیم و بخش حقوقی شهرداری این موضوع را دنبال می‌کند که در بسیاری از پرونده‌ها نیز توانستیم به حق و حقوقمان برسیم که البته لازم است اداره کل حقوقی شهرداری نشست خبری بگذارد تا جزئیات این پرونده‌ها تشریح شود. درحالی که شهرداری تهران نشان داده پای کار است تا در راستای بهبود مشکلات گام بردارد و در این مسیر قانون را فصل الخطاب قرار داده به نظر می‌رسد دولت باید ماجرای ملک جماران را در چارچوب قانون و ببیند در بحبوحه تبعات کرونا نگاه ویژه‌ای به شهرداری پایتخت داشته باشد. سیاست‌هایی که به دولت توصیه شده یعنی اقتصاد مقاومتی، جهش تولید و بهبود شرایط اقتصادی کشور یقینا رخ نخواهد داد اگر حال تهران خوب نباشد. در عوض حال خوب تهران می‌تواند خیلی سریع به سایر شهرهای کشور نیز تسری یابد، باید دید دولت روحانی در این سال آخر خود چه خواهد کرد.

پیش‌بینی اکونومیست از پیروزی قاطع بایدن

نشریه اکونومیست آمریکا با تحلیل داده‌های اقتصادی، جمعیتی و نظرسنجی‌ها به پیش‌بینی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری پیش‌رو در این کشور پرداخته و یک پیروزی قاطع را برای جو بایدن هم در بخش آرای مردمی و هم در بخش آرای الکترال پیش‌بینی کرده است. به گزارش ایسنا، پایگاه مجله اکونومیست در بخش پیش‌بینی خود در خصوص انتخابات ریاست جمهوری سال جاری میلادی آمریکا عنوان کرده هم اکنون الگوهای حاصل از تحلیل این مجله نشان می‌دهند که جو بایدن به عنوان نامزد ریاست جمهوری مفروض حزب دموکرات به احتمال خیلی زیاد دونالد ترامپ را در بخش آرای الکترال شکست می‌دهد. بر طبق پیش‌بینی این نشریه شانس پیروزی جو بایدن در بخش الکترال کالج ۹۱ درصد است در حالی که شانس پیروزی دونالد ترامپ در این بخش تنها هشت درصد است. همچنین طبق تحلیل این نشریه، شانس اینکه جو بایدن در این بخش اکثر آرا را کسب کند ۹۹ درصد و شانس ترامپ برای کسب اکثر آرای این بخش تنها یک درصد است. در ادامه اکونومیست نوشته که پیش‌بینی تعداد آرای الکترال کسب شده از سوی جو بایدن بین ۲۴۹ تا ۴۱۵ رای (میانگین ۳۴۷) است در حالی که این پیش‌بینی برای دونالد ترامپ بین ۱۲۳ تا ۲۸۹ رای (میانگین ۱۹۱) است. در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا یک نامزد باید برای پیروزی در بخش آرای الکترال ۲۷۰ رای کسب کند. همچنین اکونومیست بر اساس تحلیلهایش از داده‌های مراجع مختلف و نظرسنجی‌های گوناگون تا تاریخ دوم اوت پیش‌بینی کرده که جو بایدن در بخش آرای مردم هم دونالد ترامپ را شکست می‌دهد. طبق این پیش‌بینی با تحلیل رقابت تنها بین نامزدهای دموکرات و جمهوریخواه، بایدن می‌تواند حدود ۵۴ درصد از آرای مردمی را به خود اختصاص دهد و ترامپ ۴۶ درصد این آرا را کسب می‌کند.

اصلاح طلبان

غلامعلی رجایی:

جهانگیری، مطهری و ظریف کاندیداهای بالقوه اصلاح طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ هستند

غلامعلی رجایی گفت: درباره اینکه چه کسی می‌تواند از جانب اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ کاندیدا شود، می‌توان به آقای اسحاق جهانگیری اشاره کرد. البته اگر اصلاح‌طلبان تغییری در رویکردشان بدهند، می‌توانند از چهره‌هایی چون علی مطهری و دکتر ظریف حمایت کنند. اصلاح‌طلبان برخلاف انتخابات ۹۲ و ۹۶ در فضایی مملو از ابهام منتظر روز برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ هستند. چگونگی حضور اصلاح‌طلبان در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری همچون معمایی چندمجهولی بدون پاسخ مانده است و فقط گذشت زمان مشخص خواهد کرد که اصلاح‌طلبان می‌توانند به طور جدی به فکر توفیق سه‌باره در انتخابات ریاست‌جمهوری باشند یا از پیش به عنوان تماشاگران رقابت در میدان بی‌رقیب خواهند بود. غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با اعتمادآنلاین در این باره اظهار داشت: رویکرد اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ تابع رویکرد آقای خاتمی خواهد بود. اصلاح‌طلبان همواره با وجود اینکه برایشان ممنوعیت و محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده اما سعی خواهند کرد به طور جدی وارد رقابت‌های انتخاباتی شوند. مشاور اسبق آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ادامه گفت: درباره آمدن یا نیامدن جریان اصلاحات به انتخابات باید این را در نظر گرفت که اگر شورای نگهبان کمافی‌السابق ژنرال‌های این طیف را کنار بگذارند، شرایط برای اصلاح‌طلبان دشوار خواهد شد. چون آنها دیگر قائل به حمایت از کاندیدای اجاره‌ای نیستند و به همین دلیل لازم است یکی از اصلاح‌طلبان شاخص مجوز کاندیداتوری در انتخابات را بگیرد. رجایی ادامه داد: شاید عده‌ای هم بگویند «اصلاح‌طلبان باید در هر شرایطی در انتخابات شرکت کنند». هیچ جریانی حاضر نمی‌شود در انتخاباتی یک‌سویه حضور یابد. به همین دلیل این نگرانی وجود دارد که در صورت تداوم رد صلاحیت‌ها، اصلاح‌طلبان به این نتیجه برسند که مثل شهروندان عادی وظیفه‌شان تنها انداختن رأی به صندوق است. او توضیح داد: درباره اینکه چه کسی می‌تواند از جانب اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ کاندیدا شود، می‌توان به آقای اسحاق جهانگیری اشاره کرد. البته اگر اصلاح‌طلبان تغییری در رویکردشان بدهند، می‌توانند از چهره‌هایی چون علی مطهری و دکتر ظریف حمایت کنند. این ۲ چهره با وجود اینکه اصلاح‌طلب نیستند هماهنگی‌شان با تفکرات اصلاح‌طلبی بالای ۸۰ درصد است. غلامعلی رجایی در پایان گفت: نکته مسلم این است که نظام به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات نیاز دارد.

نگاه

سید مصطفی هاشمی طبا:

اصلاح طلبان مقابل احمدی‌نژاد خیلی نجابت به خرج دادند

یک فعال سیاسی بیان کرد: جریانی که علیه دولت احمدی‌نژاد بود، نجیب‌تر بود و نجابتش باعث می‌شد خیلی جسارت به خرج ندهند. در واقع اصلاح‌طلبان مقابل احمدی‌نژاد خیلی نجابت به خرج دادند. مصطفی هاشمی‌طبا، کاندیدای ریاست جمهوری در سال ۹۶، در مورد سال آخر دولت دوازدهم با سال آخر دولت دهم به برنا گفت: در حال حاضر هجمه به دولت بسیار زیاد است و مسائلی که در حال حاضر دولت با آن طرف است، قابل مقایسه با آن موقع نیست حتی مسئله کرونا، همه جامعه را چه از نظر اجتماعی و اقتصادی تحت تاثیر قرار داده است. معاون سازمان تربیت بدنی در دولت سازندگی افزود: اگر مسئله کرونا را کنار بگذاریم در دولت قبلی چنین مواردی مطرح نبود، به‌عنوان مثال هجومی که از طرف برخی مخالفان به دولت می‌شود قابل مقایسه با دولت قبل نیست و از این نظر، آرامشی در دولت حاکم بود. هاشمی‌طبا با اشاره به نقش مجلس در افزایش هجمه‌ها علیه دولت تصریح کرد: مجلس به جای اینکه فکر درستی داشته باشد و کاری انجام دهد حالا بهانه‌ای برای کار نکردن پیدا کرده است و می‌خواهند با نفی دولت، خود را اثبات کنند. البته مجلس نمی‌تواند کاری کند، برای اینکه در مورد سیاست‌های آینده کشور و اینکه چگونه باشد، منسجم نیست. بنابراین کاری غیر از نفی دولت نمی‌توانند انجام دهند چراکه اندیشه درستی هم برای آینده و سیاست‌گذاری در کشور ندارند و در مصوبات اخیر این حقیقت کاملا روشن است. این چهره اصلاح‌طلب در رابطه با هجمه‌های وارده به دولت احمدی‌نژاد یادآور شد: جریانی که علیه دولت احمدی‌نژاد بود، نجیب‌تر بود و نجابتش باعث می‌شد خیلی جسارت به خرج ندهند. در واقع اصلاح‌طلبان مقابل احمدی‌نژاد خیلی نجابت به خرج دادند.

خبر تلگرامی

نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا اعلام کرد، اطمینانی به دبورا بیرکس، عضو گروه ویژه مقابله با کرونا که از سوی ترامپ تعیین شده، ندارد. پلوسی درخصوص بیرکس گفت: تصور می‌کنم ترامپ اطلاعات گمراه‌کننده درباره ویروس مطرح می‌کند و بیرکس کسی است که این اطلاعات را می‌دهد و من هیچ اطمینانی در این باره ندارم./ایسنا

مکث

داریوش قنبری:

دولتی به جز روحانی روی کار می‌آمد هم وضعیت بهتر از این نمی‌شد

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب بیان کرد: هر دولت دیگری به جز دولت روحانی روی کار می‌آمد وضعیت بهتر از این نمی‌شد. این مشکلات مسائلی نیست که مربوط به مدیریت دولت‌ها باشد مسائل از بیرون بر دولت تحمیل شده است. دولت با مدیریتش منجر شد آنهایی که طراحی کردند، کشور با بحران‌های جدی‌تر مواجه شود به نتیجه نرسند. داریوش قنبری، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در رابطه با رویکرد دولت روحانی به برنا گفت: با تعامل وضعیت ما اینگونه است، اگر تعامل نداشتیم چه می‌شد؟ با خردگرایی روحانی در عرصه سیاست خارجی وضعیت این چنین است. یقینا اگر دولت روحانی راه دیگری در اوضاع کنونی در پیش گرفته بود وضعیتی بدتر از این هم، قابل تصور بود. دولت روحانی با شکل متعهدانه نسبت به منافع ملی برای تعامل با جهان خارج پا پیش گذاشت و اقدامات لازم را به عمل آورد و کار هم، به خوبی پیش رفت. پس از انتخاب ترامپ، ایران به نوعی در مناقشات داخلی آمریکا و مبارزات حزبی و انتخاباتی آمریکا محل گفتگو قرار گرفت و به نوعی ادامه کار را در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی با مشکل مواجه کرد. ترامپ با وجود اینکه کشور ما را مجددا تحریم کرده است اما به لحاظ سیاسی هنوز هم، در همراه کردن کامل متحدان خود موفقیت لازم را کسب نکرده و افکار عمومی بین‌المللی و هم‌پیمانان آمریکا، ایران را مقصر تلقی نمی‌کنند، همین مسئله منجر شده تا سیاست‌های تقابلی آمریکا در آن مسیری که می‌خواهد، پیش نرود. او با اشاره به اقدامات اخیر آمریکا علیه ایران ادامه داد: هدف آمریکا فراتر از تحریم‌ها و موضوع تقابلی با ایران است، اما این عدم همراهی با آمریکا ناشی از سیاست‌های تعاملی دولت روحانی است. سیاست تعاملی یک الگوی مناسبی است که باید تداوم پیدا کند. آنچه که در آمریکا اتفاق افتاد و روی کار آمدن متغیری مثل ترامپ یک بحث گذراست و قطعا و یقینا تعامل با جهان خارج، براساس استانداردها و قواعد بین‌المللی یک اصل در سیاست خارجی کشور باید باشد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب اظهار کرد: کشورهایی که بخواهند با زبان زور و خارج از چارچوب‌ها و قوانین بین‌المللی رفتار کنند، زمانی که سیاست ایران براساس تعامل مثبت و مبتنی بر الگوی پیشبرد منافع ملی باشد قطعا به نتیجه نخواهند رسید. سیاست تعاملی در کنار خردگرایی و مقاومت و اصرار بر پیشبرد منافع ملی، می‌تواند منافع ملی کشور را تامین کند و در این مسئله، هیچ تردیدی وجود ندارد. روحانی در کنار سیاست تعامل، اصرار بر حفظ منافع ملی را هم در پیش گرفت به گونه‌ای که امتیازی به بیگانگان نداد و اگر این دولت، خلاف منافع ملی امتیازی به آمریکایی‌ها می‌داد بسیاری از مسائل تاکنون حل شده بود. این دولت ضمن سیاست تعاملی، اصرار و پافشاری در پیشبرد منافع ملی و مقاومت در مقابل زورگویی را هم در پیش گرفت و ترکیبی از مقاومت مقابل زورگویی و تعامل به عنوان الگوی سیاست خارجی، کار بسیار خوبی بود که باید در مسیر پیشبرد منافع ملی این الگو، تداوم یابد. این نماینده سابق اظهار کرد: هر دولت دیگری به جز دولت روحانی روی کار می‌آمد وضعیت بهتر از این نمی‌شد. این مشکلات مسائلی نیست که مربوط به مدیریت دولت‌ها باشد، مسائل از بیرون بر دولت تحمیل شده است. دولت با مدیریتش منجر شد آنهایی که طراحی کردند، کشور با بحران‌های جدی‌تر مواجه شود به نتیجه نرسند. هدف دشمنان این بود که با تحریم‌ها کشور به سمت فروپاشی برود اما روحانی با مدیریت مناسبی که داشت، دوز فشارها را کمتر کرد. هر کشور دیگری که مقابل این تحریم قرار می‌گرفت به این راحتی نمی‌توانست دوام بیاورد اما از یک طرف روحیه مقاومت خاصی که در ملت ما وجود دارد و از طرف دیگر توان اقتصادی کشور برای مقابله باتحریم‌ها، باعث شد اهدافی که از فشار بر ایران مورد نظر فشار آورندگان بود، محقق نشود. او در پایان افزود: قطعا و یقینا این مسیر باعث یاس و ناامیدی آنهایی خواهد شد که سیاست فشار را در نظر گرفتند و تعامل و مقاومت در مقابل زورگویی‌ها قطعا به نتیجه خواهد رسید و منافع ما، در گرو تداوم همین الگو در سیاست خارجی است.